گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۷۰۹
سه شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱ ۱۱:۱۰

یادداشتی از مهرداد صدرنفیسی؛

از کوتاهی ماست که دیوار بلند است

دیروز در جمعی بودم که خبری از رادیو مبنی بر سرانه ی پایین کتابخوانی در ایران پخش شد. از قضا یکی از دوستان که ادعای اشراف بر همه ی امور (اعم از سیاست، تاریخ، آسیب شناسی اجتماعی و...) را دارد؛ با صدایی پر طمطراق گفت: ملت نون ندارن بخورن، ضعیفه میگه مردم کتاب بخونن!

به گزارش خبر، مهرداد صدر نفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "از کوتاهی ماست که دیوار بلند است" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
با بسط این جمله ی دوست عزیز ناکتابخوان، همراه با ادعایی فراوان از فضل و دانش، به آحاد جامعه متوجه می شویم که مطالعه و کسب خِرد برای این جماعت سطحی نگر تا چه حد تمسخر آمیز و بعید است.
مشکل از جایی آغاز می شود که کتابخوانی برای این جماعت همچون پدیده ای است؛ که فقط از تعداد بسیار کمی از افراد جامعه بر می آید که از قضا قشر بیکار و یا شکم سیر جامعه هستند. اما این جماعت درد کشیده و درمان نیافته نمی داند خوانش کتاب بسیار مهم تر از آن است که بتوان آن را تفریحی لوکس برشمرد.
شوربختانه ما کتاب نمی خوانیم و انتظار داریم فرزندی آگاه و روشن اندیش داشته باشیم، کتاب نمی خوانیم و انتظار داریم معلمی با دانش داشته باشیم. کتاب نمی خوانیم و انتظار داریم جامعه ای با حقوق مدنی داشته باشیم و در آخر کتاب نمی خوانیم و انتظار داریم نادان بر دانا چیره نشود.
از منظر یک ناکتابخوان، کتابخوان پسربچه ی بدقیافه ی سیاهپوست و بدلهجه است. در واقع این تصویر ذهنی یک فرد کامجو و عیاریست که حقیقت را از دست داده و کام خویشتن را با هر آنچه نزد همگان به لذت معروف است؛ شیرین کرده است.
قطعا افرادی با تفکرات ناکتابخوانی از خویشتن چنین می پرسند:
اما تصویر واقعی خود کتابخوان از خویشتن چیست؟
کتابخوان شاهنشاه بزرگ و فرمانروای جهان خود و یک سالار به تمام معناست. قدرتمندترین و نیرومندترین امکان سروری بر تمام غرایز وخواسته های هستی را دارد. کتابخوان نزدیک ترین همنشینِ حقیقت و جان سخت ترین دشمن هیاهو و همهمه است.
کتاب خوانی سبب می شود کاخ خِرَدورزی درون آدمی شکوهمند جلوه کند. کتاب خوان با اتمام هر کتاب گویی آجری زرین در برج دیده‌بانی کاخ خویش جای داده است. کتابخوان زمان گذاشته است برای آنچه می اندیشد.
البته معضل اجتماعی دیگری در این مَقال می گنجد که باید به آن اشاره کرد.
متاسفانه تعداد کتاب هایی که سالانه در کشور ما چاپ و منتشر می شوند بسیار بالاتر از سرانه دیگر کشورهای دنیا ،حتی کشورهای پیشرفته، است؛ که این موضوع خود پدیده ایست بس عجیب و غلط. چرا که میزان چاپ و انتشار کتاب با میزان سرانه کتاب خوانی جامعه همخوانی ندارد.
در واقع بنگاه های انتشاراتی فقط به فکر کمیت تجارت خود هستند تا کیفیت. عده ای از آنان به چیزی جز سودآوری و انتشار کتاب های زرد و کم محتوا (شاید بی محتوا) نمی اندیشند.
از طرفی دیگر چاپ انبوهی از کتاب ها سالانه حجم بسیار عظیمی از ثروت و درختان کشور را به تاراج می برد. این حجم زیاد چاپ کتاب های کم محتوا متاسفانه باعث شده سلیقه کتابخوانی در ایران نیز عوض شود. کافی است کتابخوانان نسل امروز را با کتابخوانان نسل دیروز مقایسه کنید.
نسل امروز هر روز بیشتر گرایش به خوانش رمان های زرد، خاطرات به اصطلاح سلبریتی ها، اشعاری با ژست های پست مدرنیسم جعلی و... پیدا کرده است. این در حالی است که نسل دیروز دن کیشوت می خواند و شاهنامه.
چرند و پرند از دهخدا میخواند و غزلِ سعدی در خاطر خویش ماندگار می ساخت. تاریخ ملل می خواند و اوضاع جهان را در تاریخ هرودت می یافت.
اما افسوس که نسل جدید همچون هزاران بی راهه ی دیگر در جاده ی کتاب خوانی راه شوسه را گزیده است.
در آخر باید به این عزیز و یا شاید عزیزان ناکتابخوان گوشزد کرد؛ از کوتاهی ماست که دیوار بلند است.